

کتاب‌های جامعه‌شناسی و تغییرات آن در گفت‌وگو  
با دبیران و سرگروه‌های علوم اجتماعی  
استان گیلان

# کشاکش تغییرات کتاب‌ها و تفسیرهای معلمان

محمود اردوخانی

## اشاره

کتاب درسی جامعه‌شناسی چندی است با تغییر رویکرد «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» دستخوش تحولاتی شده است. این تغییر و تحول کتاب‌ها با واکنش‌های متفاوتی از جانب دبیران روبه‌رو شده است. برخی دبیران تغییرات را پذیرفته و از آن استقبال کرده‌اند، اگرچه نوع تألیف و سطح مباحث را برای دانش‌آموزان ثقیل و دشوار می‌بینند. اما گروهی دیگر از دبیران که اکثریت را تشکیل می‌دهند، هم از نظر محتوای جامعه‌شناختی و هم از نظر روش و ساختار و نیز توجه به مخاطب و جامعه هدف، کتاب‌های جدید را مورد نقد قرار می‌دهند. آنچه به دنبال می‌آید حاصل میزگردی با دبیران و سرگروه‌های علوم اجتماعی استان گیلان در همین زمینه است. شرکت‌کنندگان در این میزگرد که همه دبیران علوم اجتماعی هستند، عبارت‌اند از:

- ✉ مژگان کار دوست، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، سرگروه ناحیه یک شهر رشت
- ✉ آمنه مهرگان، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی
- ✉ پریش روحانی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، سرگروه طالش
- ✉ آمنه کرامتی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی
- ✉ اسحاق قصوری، کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، سرگروه رودبار
- ✉ لیلا مؤمنی، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- ✉ محمود ذولفعلی‌زاده، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، سرگروه سیاهکل

و با حضور سرکار خانم ماهرخ مؤذن، پیشکسوت و مدرس علوم اجتماعی استان حاصل این گفت‌وگو در ادامه از نظر تان می‌گذرد.

آموزش علوم اجتماعی نه فقط برای دانش‌آموزان، بلکه برای همه افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، ضرورت دارد و یک نیاز است. تمام افراد جامعه، از دانش‌آموزان علوم انسانی گرفته تا مهندسان و پزشکان نیازمند کسب مهارت‌های اجتماعی هستند. آنچه که می‌تواند جامعه را در برابر آسیب‌های اجتماعی مصون و محفوظ نگه دارد، آموزش مهارت‌های اجتماعی و در واقع اخلاق اجتماعی به دانش‌آموزان و نسل آینده از تمام رشته‌هاست.

**چه آموزش‌های اجتماعی برای یک دانش‌آموز در این سن ضرورت دارد؟ و آیا کتاب‌های فعلی مطالعات اجتماعی به این آموزش‌ها و مسائل می‌پردازند؟**

**مهرگان:** به نظر من کتاب جامعه‌شناسی با توجه به مسائلی که در آن آمده است، دانش‌آموز را با جامعه و برای ورود به جامعه آماده نمی‌کند. برای مثال، مهارت نه گفتن و اعتمادبه‌نفس داشتن را به بچه‌ها منتقل نمی‌کند. شناخت کشور، حس مسئولیت‌پذیری، وطن‌دوستی و مسائل کاربردی برای حضور در جامعه را در کتاب، خصوصاً سال دوم، نمی‌بینیم. کتاب‌ها باید احساس مسئولیت‌پذیری نسبت به خود و نسبت به جامعه را به فرد انتقال بدهند. تعامل با دیگران و زندگی کردن را به دانش‌آموزان بیاموزند. اما به نظر من، مطالب کتاب‌ها در مورد این مباحث ضروری کاربردی نیستند. به‌طور

کمک کند تا دانش‌آموز مهارت‌های اجتماعی و اخلاق اجتماعی را بیاموزد. هدف این آموزش‌ها آن است که فرد بتواند مهارت‌ها را مستقیم و غیرمستقیم کسب کند و یک فرد اجتماعی مفید به جامعه تحویل دهیم. با چنین تعریفی مسلماً آموزش علوم اجتماعی برای همه رشته‌ها ضروری است.

**اهداف و ضرورت‌های آموزش علوم اجتماعی به دانش‌آموزان را چه می‌دانید؟ آیا آموزش‌ها فقط برای رشته‌های انسانی ضرورت دارند یا برای دانش‌آموزان سایر رشته‌ها نیز لازم‌اند؟**

**کار دوست:** با تشکر و کسب اجازه از همکاران، آموزش علوم اجتماعی می‌تواند



مسلط بشوند. در صورتی که هدف آموزش علوم اجتماعی این نیست.

بچه‌ها باید جامعه‌شناسی را بفهمند و با عشق به آن به دانشگاه بروند و انتخاب رشته کنند. اما این کتاب‌ها دارند بلایی سر بچه‌ها می‌آورند که اصلاً رغبت به درس جامعه‌شناسی ندارند.

در خصوص اینکه فرمودید کدام بخش‌ها را مناسب‌تر می‌دانم، باید بگویم، به صورت خاص ما در کتاب سال دوم قدیم موضوعاتی در مورد ازدواج داشتیم که خیلی بحث‌انگیز بودند. یا فصلی که در ارتباط با نظام سیاسی است. اگر کسی کمی مطالعه جامعه‌شناسی داشته باشد و مباحث کتاب جامعه‌شناسی را در مورد نظام‌های سیاسی مطالعه کند، متوجه می‌شود این کتاب با یک تفکر یک‌بعدی و با

بینش خاصی نوشته شده‌اند. در صورتی که می‌توانست از دیدگاه جامع و بی‌طرفانه جامعه‌شناسی استفاده کند. آنچه که علاقه مرا به جامعه‌شناسی بیشتر کرد این بود که در دوره کارشناسی ارشد فهمیدم، جامعه‌شناسی بدون تعصب و با بی‌طرفی به مسائل نگاه می‌کند. اما این کتاب‌های جدید از این نگاه علمی و بی‌طرفانه فاصله گرفته‌اند و با تعصب و جانب‌دارانه به طرح یک دیدگاه خاص می‌پردازند که محل نقد و بحث بسیار است.

**به کتاب سال دوم قدیم اشاره داشتید. منظورتان کدام دوره است؟ اینکه می‌فرمایید شرایط آموزش و تجهیزات مؤثر هستند، آیا به نظر شما در آن دوره امکانات و تجهیزات نسبت به دوره فعلی قوی‌تر بود؟**

**کرامتی:** منظور کتابی است که از حدود ۲۰ سال پیش تا شش سال گذشته تدریس می‌شده اگرچه تجهیزات در گذشته بهتر نبود، ولی مطالب طوری نوشته شده بودند که در دو ساعت حتی با روش سخنرانی، تعامل لازم بین معلم و دانش‌آموز برقرار می‌شد و کار تیمی بهتر انجام می‌شد.

**کتاب‌های مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی تا چه اندازه دانش‌آموزان را با جامعه ایران و مشخصات، ویژگی‌ها و مسائل و مشکلات آن آشنا می‌کنند؟**

**قصور:** ما در مورد یک کتاب درسی صحبت می‌کنیم نه کتابی برای دانشگاه یا کتابی برای عموم جامعه. درباره اینکه فرمودید: آیا آموزش علوم اجتماعی فقط به دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی اختصاص دارد، یا دانش‌آموزان سایر رشته‌ها هم به آن

می‌کنم مؤلفان بیشتر شهرهای بزرگ را در نظر گرفته‌اند. مناطق روستایی و شهرهای کوچک دیده نشده‌اند. این مسائل برای دانش‌آموزان ما سخت هستند.

**منظورتان از اینکه می‌فرمایید، شهرهای کوچک و روستاها را در نظر نگرفته‌اند، چیست؟**

**روحانی:** یعنی مطالب بومی نیست و به مقتضیات بومی توجه نداشته‌اند. امکانات را برای همه یکسان در نظر گرفته‌اند. البته شاید چنین مشکلی در سایر درس‌ها هم باشد. اگر بخواهم به دانش‌آموز کار تحقیقی بدهم، کجا باید برود؟ به موزه‌ها یا کتابخانه‌ها، یا از طریق اینترنت تحقیق کند؟ در روستاها و در شهرهای کوچک این امکانات فراهم نیست. نکته دیگر اینکه مباحث ملموس و کاربردی نیستند که این به ساختار کتاب‌ها برمی‌گردد.

**به عنوان معلم با کدام فصل و کدام درس از کتاب‌های جامعه‌شناسی مشکل دارید و کدام فصل و بخش را مناسب‌تر می‌دانید؟**

**کرامتی:** در مورد مشکلات کتاب اکثر همکاران اشتراک نظر دارند که مفاهیم پیچیده و به دور از مقتضای درک و سن و سال بچه‌ها هستند. معلم اگر بخواهد یک پاراگراف را چه فلسفی باشد، چه دینی یا جامعه‌شناختی توضیح دهد، تمام زمان درس را به خود اختصاص می‌دهد. به نظر من در اکثر قسمت‌های کتاب مفاهیم خیلی پیچیده و گنگ هستند و کار معلم در این زمینه خیلی سخت است. در این موضوعات ما نمی‌توانیم امکانات تصویری و ملموسی را در کلاس ارائه بدهیم. تعامل و گفت‌وگو بین معلم و دانش‌آموز به خاطر این مفاهیم خیلی کم‌رنگ است. جای حرف برای بچه‌ها خیلی کم است. من سعی می‌کنم بیشتر از روش گروهی استفاده کنم، اما نمی‌توانم. به همین دلیل برمی‌گردم به اینکه بچه‌ها مفاهیم را حفظ کنند و روی کلمات

کلی، مباحث آن طوری نیستند که دانش‌آموز را با جامعه و برای زندگی در جامعه آماده کنند.

**به نظر شما مبانی و مفاهیم علوم اجتماعی به عنوان یک دانش علمی تا چه اندازه به شکل روشن و دقیق و در عین حال ملموس و کاربردی در کتاب‌های درسی علوم اجتماعی مطرح شده‌اند؟**

**روحانی:** در کتاب‌های جامعه‌شناسی تغییراتی داده شده‌اند. حتی بعد از این تغییرات، خصوصاً در کتاب جامعه‌شناسی سال دوم متوسطه، مفاهیم درست جا نیفتاده‌اند و روشن نیستند. مفاهیم خیلی سخت هستند، حتی برای معلمان در نتیجه معلمان به سختی می‌توانند مفاهیم کتاب را به دانش‌آموزان منتقل کنند و دانش‌آموزان نیز معمولاً کمتر می‌توانند مطالب را درک کنند. چون مفاهیم روشن و گویا نیستند.

**مشکل بیشتر روی کدام سرفصل‌های کتاب است؟**

**روحانی:** در کتاب جامعه‌شناسی ۱ بحث‌ها خیلی کلی و بیشتر فلسفی هستند. من نمی‌توانم در دو ساعت مفاهیم را روشن و باز کنم و خصوصاً که مفاهیم ملموس و کاربردی نیستند. انجام تمریناتی که برای فعالیت‌ها در نظر گرفته شده‌اند نیز سه ساعت وقت می‌خواهد. مطالب زیاد و پیچیده‌اند و نمی‌توان ظرف دو ساعت این مفاهیم را آموزش داد.

**قابل فهم نبودن به دانش‌آموزان مربوط است یا به قدرت انتقال معلم؟**

**روحانی:** هر دو. ممکن است من به عنوان معلم مسلط نباشم، چون کتاب‌ها تغییر کرده‌اند. از طرف دیگر آموزش‌ها و درس‌های جانبی هم ممکن است ناقص باشند. امکانات را باید در نظر گرفت. فکر



محمد ذولفعلی‌زاده



اسحاق قصوری

دارند، معتقدند این بخش یکی از بخش‌های خیلی ساده و راحتی است که دانش‌آموزان از آن استقبال می‌کنند و خیلی بیشتر از معلم مثال می‌آورند.

بخش دیگری که خانم کرامتی گفتند، در کتاب قبلی درباره ازدواج بود. چگونه انتخاب کنیم و اینکه انتخاب عاقلانه و براساس نظر والدین باشد. این بخش نیز اگر چه تجربه زیسته دانش‌آموز نیست، اما تجربه زیسته خواهر یا برادر یا همسایه‌اش است. بنابراین موضوع را در فکرش به‌عنوان تجربه‌ای می‌پروراند که در آینده خواهد دید. حالا فرض کنیم امکان‌پذیر نیست که این مباحث جزو کتاب‌های درسی باشد و قرار است عناوین دیگری در سرفصل کتاب قرار بگیرند. نوع موضوع، نحوه استدلال و شیوه نگارش این سرفصل‌ها به‌عنوان کتاب درسی و برای دانش‌آموز دبیرستان مناسب نیست. به قول همکارمان، مخاطب‌شناسی انجام نشده است. به نظر می‌رسد مطالب از جایی کپی شده‌اند، به‌طوری که در بعضی جاها پاراگراف‌های آن هم‌خوانی ندارند. لحاف چهل تکه‌ای به هم دوخته شده است که گاهی تکه‌های آن هیچ مناسبتی با هم ندارند. مباحث و عنوان‌های آن در مواردی خوب‌اند، ولی توضیحات به‌قدری ذهنی و انتزاعی هستند که دانش‌آموز نمی‌تواند در ذهن خود جای دهد و آن‌ها را دسته‌بندی کند. به‌عنوان مصداق مباحث نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲ بسیار انتزاعی‌اند. البته قرار است این کتاب در پایه دهم تدریس شود.

**مهرگان:** جامعه‌شناسی باید فرد را با مشکلات جامعه‌اش آشنا کند، امکان تعامل سازنده افراد را با هم در قالب جامعه فراهم کند و مسائل و مشکلات جامعه را بررسی کند تا فرد خود بتواند به راه‌حل برسد و در زندگی خود اعمال کند.

**در مورد مباحث مطرح شده یا در رد موارد مطرح شده مطلب تکمیلی دارید؟**

**روحانی:** اشاره کردید به توانایی معلم که ممکن است توانایی لازم را نداشته باشد. می‌خواهم این مطلب را تأیید کنم. اما برای اینکه معلم بتواند دوره ببیند، کتاب را بهتر بشناسیم، تبادل نظر کنند

دانش‌آموزی را که در مدارس شهری تحصیل می‌کند، با دانش‌آموزی که در روستا تحصیل می‌کند، مقایسه کنید. این دانش‌آموز روستایی از امکانات فناورانه بهره‌مند نیست. ما اگر بخواهیم این‌ها را در یک مرتبه قرار بدهیم، مثل کنکور سراسری و در شرایط امتحانات سراسری، یعنی از آن‌ها انتظار یکسانی داریم و می‌خواهیم همه آن‌ها را با یک معیار بسنجیم، در حالی که در واقع نباید این‌طور باشد. نظام آموزشی آمده و گروه‌بندی و طبقه‌بندی کرده به منطقه‌های یک، دو و سه تا این تبعیض‌ها کم بشود. اما در کتاب‌ها این‌ها در نظر گرفته نشده‌اند. شفاف بگویم بنده در هفت مدرسه شهری و روستایی تدریس می‌کنم.

در مناطق شهری و برخوردار، گیرایی دانش‌آموزان به مراتب بهتر است تا در روستاها. این یک حقیقت است. کار با دانش‌آموزانی که در شرایط سخت‌تر یا روستایی و شهرهای کم‌برخوردار هستند، به‌مراتب سخت‌تر است تا کار در مدرسه‌های که دانش‌آموزان آن از خرده‌فرهنگ‌های متفاوت هستند. کار در این مدرسه دوم خیلی سخت‌تر است از کار در مدرسه‌ای که دانش‌آموزان یکدست هستند. کتاب‌ها به‌نظر من حدود ۴۰ درصد در این زمینه موفق هستند.

**آقای قصوری مطالبی را در مورد مباحث کتاب‌ها و دید دریافت دانش‌آموزان بیان کردند. شما موضوع را چگونه می‌بینید. مشکل از کتاب درسی است یا سطح درک و دریافت بچه‌ها، و یا روش تدریس معلم؟**

**کار دوست:** من ضعف‌های موجود دریافت مطالب کتاب‌ها را به دو بخش عمده تقسیم می‌کنم: یکی سرفصل‌ها و عناوینی است که ما به عنوان معلم لازم می‌دانیم در کتاب‌ها گنجانده شوند، و دیگر اینکه اگر آن سرفصل‌ها گنجانده نشده و سرفصل‌های دیگری بنابر هر ملاحظاتی گنجانده شده‌اند، در تدوین و تشریح این سرفصل‌ها هم اشکالاتی وجود دارد. به‌عنوان یک معلم معتمد، عناوین و سرفصل‌هایی که می‌تواند بسیاری از این چالش‌ها را از بین ببرد، عناوینی هستند که با زندگی روزمره دانش‌آموز ارتباط دارند. وقتی من مطلبی را مطرح می‌کنم که با زندگی دانش‌آموز در ارتباط است و آن را لمس می‌کند، آن را خیلی راحت‌تر می‌فهمد. خودش مثال می‌زند و مطلب را جلو می‌برد. الان ما در کتاب مطالعات، بحث هنجار را داریم. اکثر دبیرانی که در اینجا حضور

نیاز دارند، توضیحی می‌دهم. شما یک آموزش علوم اجتماعی عام دارید که همه به آن نیاز دارند. از یک پزشک تا سایر افراد جامعه در هر رده و طبقه‌ای از مشاغل که باشند. حتی وزیر و رئیس‌جمهور را هم دربرمی‌گیرد. اما وقتی می‌گوییم علوم اجتماعی منظور ما بخش تخصصی و حرفه‌ای آن است که فقط برای رشته‌های انسانی مطرح می‌شود.

متأسفانه ما امروز در خیلی از رشته‌ها مباحث علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی نداریم. اخیراً در سند تحول بنیادین این مسئله را مدنظر قرار داده‌اند و نیم‌نگاهی به آن داشته‌اند. امسال قرار است کتابی به نام «تفکر و سواد رسانه‌ای» را - که هنوز دوره آن را برگزار نکرده‌اند - ما و همکارانمان تدریس کنیم. در حالی که اصلاً کتاب را ندیده‌ایم. این در آینده مشکل ایجاد می‌کند. اما تألیف و تدوین همین کتاب نشان می‌دهد که نظام آموزشی ما به این نتیجه رسیده که علوم اجتماعی برای همه رشته‌ها لازم است.

**در مورد کتاب جامعه‌شناسی چه نظری دارید و آن را چگونه می‌بینید؟**

**قصوری:** مشکل کتاب جامعه‌شناسی مخاطب‌شناسی است که دوستان برخی موارد را مطرح کردند. در کتاب‌هایی که برای دوره متوسطه دوم تألیف می‌شوند، مانند علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی یا همین جامعه‌شناسی ۱ که امسال قرار است برای پایه دهم تألیف شود، مطالبی را آورده‌اند که درخور آن گروه سنی نیست. نه به این معنا که مطالب علمی نیستند، علمی‌اند اما مناسب این گروه سنی نیستند. با آموزش‌هایی که دانش‌آموز قبلاً آموخته تناسب، هماهنگی و سنخیت ندارند. برای آوردن یک مطلب در کتاب درسی به‌عنوان محتوای آموزشی، حتماً باید روش و سلسله‌مراتبی رعایت شده باشد. باید به دانش پایه و میزان گیرایی مخاطب و گروه سنی او، و به قول دوستان، منطقه جغرافیایی و شهری و روستایی بودن او توجه شود. کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، با کسانی که در شهر سکونت دارند، از نظر گرفتن مطالب و درک مفاهیم ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند. متأسفانه در کتاب‌های ما از این نظر نوعی تبعیض بین مناطق مشاهده می‌شود و یک نوع نگاه مرکزگرایی حاکم است. یکی از اهداف سند تحول این بود که این تبعیض‌ها و مرکزگرایی در تألیف کم شود. اما در کتاب‌های درسی چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود.



لیلا مؤمنی



پریوش روحانی

و اشکالات برطرف شود، هنوز برنامه‌ریزی صورت نگرفته است. همین موضوع باعث می‌شود معلم برای حضور در کلاس آمادگی لازم را نداشته باشد. هر چند مفاهیم را می‌شناسیم، ولی باید بدانیم نویسندگان و مؤلفان کتاب چه چیزهایی را مدنظر دارند تا بتوانیم آن را انتقال دهیم.

**مؤمنی:** به نظر من کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی یک هدف را دنبال می‌کنند و آن وحدت و وفاق ملی است. برای ایجاد این وحدت و وفاق، ایجاد هویت و فرهنگ را مطرح می‌کند که به نظر من در این کار چندان موفق نیست. چرا که به عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ و هویت ما به صورت متعادل و متوازن نمی‌پردازد. یک‌بعدی به مسائل نگاه می‌کند و تصویر ناقصی از فرهنگ ارائه می‌دهد که در بچه‌ها ایجاد زدگی می‌کند. نگاه کتاب به درس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هویت و فرهنگ، جامعه‌شناختی نیست.

وقتی به تاریخچه جامعه‌شناسی نگاه می‌کنیم، در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ که جامعه‌شناسی توسط **آگوست کنت** مطرح می‌شود، او عوامل وفاق در جامعه را مطرح می‌کند و اولین و مهم‌ترین آن را دین می‌داند. **وبر** نیز دین را عامل تحول جامعه می‌داند. در واقع تحول غرب از دین شروع می‌شود.

جلوتر که می‌آییم، هر جا مدرنیته و صنعتی شدن با چالش مواجه می‌شود، جامعه‌شناسی به داد آن می‌رسد، در حالی که کتاب هیچ اشاره‌ای به آن ندارد. هیچ نمونه کاربردی و تحولی بنیادی که علم ایجاد کرده است، در کتاب دیده نمی‌شود. یکی از اهداف مهم جامعه‌شناسی، خصوصاً آخرین فصل آن که مبحث انتقادی است، نقد بر وضعیت موجود و پیشنهاد وضعیت مطلوب است. در حالی که این کتاب فقط به تضاد جامعه غرب اشاره می‌کند. تضاد فقر و غنا را به‌عنوان چالش در غرب مطرح می‌کند، در حالی که چالش فقر و غنا در کشور خودمان را که یک واقعیت حاضر و ناظر است و دانش‌آموز آن را درک می‌کند، کنار گذاشته است. من به‌عنوان معلم جامعه‌شناسی این تضاد را چگونه جواب بدهم؟ من به‌عنوان معلم جامعه‌شناسی بزرگ‌ترین آرزویم این است که



آمنه کرامتی

دانش‌آموز با مطالعه کتاب تصمیم درست بگیرد، و بتواند در تغییر رفتار او نقش داشته و تأثیرگذار باشم. این کتاب فرصت‌چندانی ایجاد نمی‌کند، درباره هویت، فرهنگ و دین صحبت می‌کند و حرف می‌زند، اما در مورد تغییر رفتار حرفی ندارد. کتاب تعریفی از جامعه‌شناسی ندارد. دانش‌آموز تا حالا علوم اجتماعی خوانده و به کلاس جامعه‌شناسی آمده است دوست دارد جامعه‌شناسی را بداند، در حالی که کتاب تعریف دقیقی از اهداف آن نمی‌دهد. **کرامتی:** آنچه که همه ما در مورد آن اتفاق نظر داریم این است که کتاب‌هایی هم ارتباط منطقی ندارند. یعنی کتاب‌هایی که برای دوره متوسطه اول نوشته شده‌اند، خیلی ساده‌اند و مفاهیم آن‌ها قابل فهم است. اما دانش‌آموز وقتی از این مرحله به مرحله بعدی می‌آید، با مفاهیمی مواجه می‌شود که خود معلمان روی آن مشکل دارند. یک دختر ۱۳ ساله مسائل اجتماعی را می‌فهمد، بنابراین کتاب باید به مسائلی بپردازد که واقعاً با زندگی روزانه ما در ارتباط هستند.

خانم مؤمنی درست می‌گویند که هدف اصلی کتاب ایجاد وفاق اجتماعی بوده است. اما این برخورد درست نیست که وقتی کتاب از عدالت بحث می‌کند، عکس ایران را می‌گذارد، وقتی از ظلم حرف می‌زند، کشورهای دیگر را نشان می‌دهد. طوری نشان می‌دهد و عنوان می‌کند که دانش‌آموز نتیجه بگیرد، سیاست هیچ ایرادی ندارد، در صورتی که بیشتر بچه‌ها را زده کرده‌اند. بچه‌ها از طریق دسترسی‌هایی که دارند، مطالب را متوجه می‌شوند و نقد می‌کنند.

**یعنی می‌فرمایید مؤلفان کتاب جامعه‌شناسی بیشتر ترویج دین کرده‌اند تا جامعه‌شناسی؟**

**کرامتی:** ما همه مذهب خودمان را عاشقانه دوست داریم، اما این دلیل نمی‌شود که مطالعه و تحقیق نداشته باشیم. ما از جامعه‌شناسی انتظار داریم که به بچه‌ها فرصت تفکر، تعقل و خلاقیت بدهد. متأسفانه کتاب این را از من گرفته است، چه برسد به بچه‌ها.

**کار دوست:** در هر نظام سیاسی، یکی از رسالت‌های کتاب‌های آموزشی تثبیت و تحکیم ارزش‌های آن نظام سیاسی است و این اهتمام در تمام نظام‌ها موضوعی پذیرفته شده است. بحث بر سر نوع دفاع است. می‌گویند اگر از فردی یا موضوعی بد دفاع کنید، یا طرفدار بدی باشید، آن فرد یا موضوع نیازی به دشمنی

ندارد. به نظر ما کتاب از چنین مشکلی رنج می‌برد و رویکردش در دفاع، با واقعیات جامعه هماهنگ نیست. بنابراین نه تنها مؤثر نیست، تأثیر معکوسی روی دانش‌آموز دارد.

**کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی را در مقایسه با کتاب‌های گذشته، از نظر محتوای کاربردی، انسجام و... چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

**قصوری:** در مورد کتاب درسی روی سه بخش اصلی باید کار شود: اهداف، محتوا و ساختار. هر سه بخش باید به سه مقوله دانش، نگرش و مهارت توجه داشته باشند.

کتاب‌های جامعه‌شناسی از نظر دانش شاید بشود گفت حدود ۴۰ درصد خوب هستند، چون از نظر ساختاری با جامعه هدف تناسب ندارند و دارای ضدونقیض‌هایی هستند. در بعضی جاها تعاریفی آورده‌اند که اشکال دارند. مثلاً بخش هویت کتاب جامعه‌شناسی ۱ مطرح کرده که هویت ایرانی قبل از اسلام اساطیری بوده و بعد از ورود اسلام هویت توحیدی شده است یا قبل از اسلام شرک‌آمیز بوده و بعد توحیدی شده است. در حالی که در کتاب جامعه‌شناسی ۲ که مفصل به این بحث پرداخته آمده است، هویت ایران قبل از اسلام هویت دینی آمیخته با اساطیر بوده که بعد از ورود اسلام توحیدی شده است. این جمله چند بُعدی است. به عبارت دیگر نمی‌توانیم بگوییم که در گذشته توحیدی نبوده و توحیدی شده است. این اشکال دارد.

در مورد کتاب جدید که ما در اعتبارسنجی آن را نقد کردیم، منظور نگارنده کتاب خوب بوده است، اما مطالبی که می‌آورد علمی نیست. وقتی در مورد عدالت بحث می‌کنیم، نباید آرمانی، بلکه باید واقع‌گرایانه باشد، چون کتاب ما جامعه‌شناسی است. به قول مرحوم **شریعتی**، کتاب باید اندیشیدن را بیاموزد نه اندیشه‌ها را. متأسفانه کتاب‌های ما این مهارت‌ها و دانش را در نظر نگرفته‌اند. من می‌پرسم: علاقه‌مندی دانش‌آموزان به درس‌های علوم اجتماعی و نمرات آن‌ها چقدر رضایت‌بخش است؟ روش‌هایی که ما به کار می‌گیریم، چقدر برای دانش‌آموزان ما پسندیده است؟ دانش‌آموز ما در پایان سال با توجه به آموزش‌هایی که دیده، چه مهارت‌هایی را نسبت به اول سال کسب کرده است؟ به نظر من در کتاب‌های فعلی، به موضوع مهارت کمتر پرداخته شده است. حتی برای بالا بردن نگرش بچه‌ها از استحقاق و قدرت استدلال برخوردار نیست. خیلی ضعیف است و به راحتی

توسط دانش‌آموزان به چالش کشیده می‌شود.

### در مورد تغییرات و مشکلات کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی تا چه اندازه از شما به‌عنوان دبیر و معلم نظرخواهی شده است؟

**کرامتی:** با توجه به اینکه سال گذشته مسئولیت دبیرخانه را دارم و رابط بین دفتر تألیف و استان‌ها بودم، متوجه شدم که در این مورد واقعاً کوتاهی می‌شود. در گردهمایی ما در سال گذشته نخبگان کشور حضور داشتند و این گردهمایی یک فرصت طلایی بود. خیلی زحمت کشیدیم که مؤلفان اصلی کتاب‌های نوشته شده یا در دست تألیف، قبل از هر تصمیم‌گیری به این همایش بیایند و نظرات حاضران را بشنوند. اما اصلاً حضور نیافتند و گفتند اجازه یا مأموریت حضور نداریم. آقایانی هم که آمدند، گفتند ما این انتقادات را می‌رسانیم و ما هم بیانه صادر کردیم.

### می‌خواستید کتاب‌هایی را که نوشته نشده‌اند، نقد کنید؟

**کرامتی:** نقد لزوماً پس از آشنایی با کتاب صورت می‌گیرد، اما آیا برای نوشتن کتاب نباید از دبیران و معلمان که با دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارند، نظرخواهی شود، که چه سرفصل‌ها و مفاهیمی را استفاده کنند؟ حالا که در یک شهر همه نمایندگان معلمان جمع شده‌اند، و با توجه به هماهنگی‌هایی که انجام شده بود، نباید مؤلف و مؤلفان کتاب در این همایش حاضر می‌شدند؟

**روحانی:** من چون دو دوره تغییرات کتاب‌ها را تجربه کرده‌ام، باید بگویم که قبل از این دوره از تغییرات، ما در سال چهارم پیش‌دانشگاهی یک کتاب جامعه‌شناسی نظام جهانی را داشتیم که فوق‌العاده خوب بود و مفاهیم را به روشنی بیان کرده بود. راحت می‌توانستیم در کلاس مسائل را شرح دهیم و کارهای جانبی هم انجام می‌دادیم. کار میدانی داشتیم و مثلاً بچه‌ها را به دفتر سازمان ملل می‌بردیم و از آن‌ها گزارش می‌خواستیم. درس‌های آن کتاب خیلی دانش‌آموزان را ترغیب می‌کرد که در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تحصیل کنند و خیلی از آن دانش‌آموزان من در حال حاضر در سطح دکترا هستند.

اما امروز کتاب‌هایی را تدریس می‌کنیم که خصوصاً کتاب سال چهارم کاملاً برای بچه‌ها کسب‌کننده‌اند. در حالی که من همان معلم هستم با همان شیوه، بنابراین این کتاب است

که جواب نمی‌دهد. بخشی از علت آن می‌تواند نظرخواهی نکردن از معلمان و دبیران باشد.

### شما خودتان به‌عنوان معلم برای بسط و جا انداختن مفاهیم یا ملموس و کاربردی کردن موضوعات و مفاهیم درس علوم اجتماعی چه تلاشی کرده‌اید؟

**کرامتی:** ما در سال گذشته تحقیقی انجام دادیم و نقش کتاب را در کاربردی کردن مفاهیم و موضوعات، واداشتن دانش‌آموز به تعمق و تفکر، و فعال کردن دانش‌آموز بررسی کردیم. نتیجه به‌دست آمده نقش کتاب را خیلی ضعیف نشان داد. من خودم برای تدریس این درس از روش نمایشی و از پاورپوینت هم استفاده کردم تا شاید مؤثر واقع شود. اما وقتی بررسی کردیم، به این نتیجه رسیدیم که بهترین شیوه سخنرانی است. وقتی برای جا انداختن مفاهیم کتاب جامعه‌شناسی از شیوه‌های غیرسخنرانی، مانند گروهی، صوتی و تصویری استفاده می‌کنیم، جواب نمی‌دهد.

**مؤمنی:** محتوا ذاتاً این ویژگی را ندارد که بتواند عملی و کاربردی باشد. من برای آشنایی بچه‌ها با چالش‌های غرب، آن‌ها را به سایت می‌بردم و چالش‌های فقر و غنا در غرب را بررسی می‌کردیم. اما بچه‌ها می‌گفتند وضعیت فقر و غنا در جامعه خودمان چگونه است و چرا کتاب به آن‌ها نمی‌پردازد؟ گاهی دانش‌آموزان را گروه‌بندی می‌کردم و از آن‌ها می‌خواستیم با توجه به نکته‌های جمع‌آوری شده مطلبی را انتخاب کنند که در مجله‌ها به آن پرداخته شده باشد. آن‌ها موظف می‌شدند گزارش خود را در پایان هر فصل و درس ارائه کنند.

**روحانی:** نوع و روش مطلوب تدریس بستگی دارد به اینکه کدام کتاب موردنظر باشد. من در جامعه‌شناسی ۱ بیشتر کار گروهی را ترجیح می‌دهم. بچه‌ها خودشان بخش‌های کتاب را تقسیم می‌کنند و در نهایت یک نفر به نمایندگی از آن‌ها مطلب را در کلاس بیان می‌کند. نقش من هم هدایت بحث و تعیین جهت است. برای سال سوم، کاری که انجام می‌دادیم، مثلاً در بحث فرهنگ، سعی می‌کردیم بچه‌ها را برای بازدید به یک خانه تاریخی ببریم و اتفاقات مطرح شده در کتاب را در آنجا برایشان توضیح بدهیم. این روش از نظر منطقه جغرافیایی و سرگذشت اجتماعی تاریخی آن خیلی برای بچه‌ها خوب بود. لابه‌لای بحث‌های تاریخی فرهنگ را هم توضیح می‌دادیم و در این کار با معلم تاریخ

درباره مباحث هم‌فکری و همکاری می‌کردیم. در گردش‌های علمی و میدانی با معلم تاریخ همکاری خوبی داشتیم. ایشان بخش‌های تاریخی را می‌گفتند و جامعه‌شناسی را هم من توضیح می‌دادم. با دبیر تاریخ بچه‌ها را بردیم دفتر سازمان ملل. در جامعه‌شناسی پیش‌دانشگاهی بچه‌ها را به مجلس بردم تا از نزدیک کارهای نمایندگان را ببینند. شاگردان گزارش مفصلی هم نوشتند و در مدرسه برای همه بچه‌ها قرائت شد. البته این بازدید قدری چالش‌برانگیز شد، اما توانستم آن را به خوبی مدیریت کنم. در نهایت بچه‌ها تعامل بین دولت و نمایندگان و لوابج و مصوبه‌های مجلس را از نزدیک مشاهده کردند. بعد از قرائت گزارش دانش‌آموزان برای سایر بچه‌ها، جذابیتی ایجاد شده بود که حتی بچه‌های سایر رشته‌ها درخواست داشتند تا آن‌ها را هم به چنین اردوهایی ببریم.

**کار دوست:** ما نمی‌توانیم برای یک کتاب در همه‌جا یک روش را به کار بگیریم. در کلاس روش سخنرانی جواب می‌دهد و در جایی دیگر بارش مغزی متناسب است. این روش‌ها جدا از موضوع کتاب، با تعداد دانش‌آموزان، ترکیب آن‌ها از نظر سطح و کیفیت آموزشی و جمع امکانات مدرسه در رابطه است. بنده در پایه‌های متفاوت تدریس کرده‌ام. بیشتر تلاشم بر این است که از روش‌های فعال استفاده کنم و به‌روز باشم. حداکثر سعی‌ام را می‌کنم، اما با تغییرات کتاب‌ها بیشتر با مشکل مواجه می‌شوم.

به‌گونه‌ای که تعامل بین من و دانش‌آموز کمتر می‌شود و مجبور می‌شوم به شیوه سخنرانی تدریس کنم.

حتی اگر از روش تیمی هم استفاده کنم، چون مباحث فلسفی و کلامی مندرج در کتاب‌ها از جامعه‌شناسی آن بیشتر است و این اطلاعات در حد ذهنی دانش‌آموز نیست، نتیجه نمی‌دهد.

### ارزیابی دانش‌آموزان از کتاب‌های جامعه‌شناسی چیست و کدام بخش‌ها را مشکل و غیرقابل فهم و کدام بخش‌ها را مناسب می‌دانند؟

**ذولفعلی‌زاده:** دانش‌آموزان بحث‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی را بیشتر می‌پسندند؛ در مورد ازدواج، مسائل روز، ماهواره و گرایش‌ها. البته نوع و سطح علاقه



آمنه مهرگان

آن‌ها به این مسائل به دبیر هم بستگی دارد. جامعه‌شناسی سال دوم جنبه فلسفی پیدا کرده است که خود ما هم به‌عنوان معلم خوب متوجه نمی‌شویم. به‌همین دلیل در انتقال آن به دانش‌آموز مشکل ایجاد می‌شود و آن‌ها در این زمینه گله‌مند هستند. البته سطح علاقه و نوع درک از مباحث بین دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت دارد. وضعیت تحصیلی و علمی در بعضی مناطق و روستاها شرایط خاص دارد. در کلاسی که دانش‌آموزان آن با جبر و زور به سال دوم انسانی آورده شده‌اند، وضعیت علمی خیلی ضعیف است. در سطح شهر و کلاسی که دانش‌آموزان نمرات ۱۸ و ۱۹ دارند، با هر شیوه‌ای می‌شود کار کرد و می‌شود از روش‌های مشارکتی بهره گرفت. اما وقتی یک تحقیق ساده از دانش‌آموز روستایی بخواهیم، به‌دلیل امکانات و مسائل خاص نمی‌تواند به درستی انجام دهد.

### آیا شما دسترسی به منابع لازم و سایت‌ها برای انجام کار پژوهشی را دارید؟

#### قصوری: ببینید، در

کتاب جامعه‌شناسی، **ماکس وبر** در یک پاراگراف کوتاه معرفی شده است، ما می‌توانیم به بچه‌ها بگوییم وبر را در یک صفحه معرفی کنند. این تحقیق است. ما نمی‌توانیم بگوییم شما مطالب کتاب یا کل درس را در یک صفحه یا از طریق اینترنت انجام بدهید. زمانی که می‌خواهیم یک واژه مبهم یا اشخاص را معرفی



ماهرخ مؤذن

کنیم، می‌توانیم به تحقیق بسنده کنیم، اینکه ما می‌گوییم تبعیض آموزشی وجود دارد، اینجاست. دانش‌آموز روستایی را نه می‌توانی به اردو ببری و نه به موزه و کتابخانه و نه سیستم مجازی وجود دارد. اینجا هنر معلم است که برای دانش‌آموز انگیزه ایجاد می‌کند.

بسنده با بیش از ۲۵ سال تجربه کاری در مناطق شهری و روستایی به این نتیجه رسیده‌ام که آرمان‌ها و انگیزه‌های بچه‌های روستایی حداقل است. در مناطق روستایی امکانات خیلی پایین و ضعیف است. بنابراین خیلی کم اتفاق می‌افتد که از بین دانش‌آموزان روستایی یکی به دانشگاه‌های خیلی خوب و معتبر راه پیدا کند. ولی بچه‌های شهری با امکانات بهتری دارند پیش می‌روند.

**مؤمنی:** بنده هم کار در مراکز شهری و روستایی را تجربه کرده‌ام. به‌نظر من درک مسائل اجتماعی بچه‌های روستایی و شهری خیلی متفاوت است. درباره اینکه می‌گویید درک بچه‌های شهری نسبت به زندگی روستا پایین است باید بگویم، بچه‌های شهر کمتر به روستا نیاز پیدا می‌کنند، اما بچه‌های روستایی باید برای ارتقای خود در مراکز علمی، سیاسی و اجتماعی به شهرها بروند. کمبود امکانات و انگیزه پایین بچه‌های روستا موجب تفاوت درک مسائل اجتماعی بین دانش‌آموزان شهری و روستایی شده است.

**قصوری:** اینکه شناخت متفاوت شهری و روستایی از زندگی یکدیگر به کمبودهای کتاب جامعه‌شناسی برمی‌گردد. چرا دانش‌آموز شهری نباید با زندگی روستایی آشنایی داشته باشد؟ و چرا این مسائل در کتاب‌های درسی اصلاً مطرح نمی‌شوند؟ توجه کنید، دوستان ما اصلاً با مباحث دینی مشکل ندارند، بلکه می‌گویند در جامعه‌شناسی باید بیشتر به شناخت جامعه ایران اعم از جامعه شهری، روستایی و حتی عشایری پرداخته شود. اما کتاب واقعیت‌های جامعه ایران را بیان نمی‌کند و بیشتر مباحث ذهنی و فلسفی را شرح می‌دهد.

### مدرسه، مدیریت، مشاوران، نظام آموزشی و والدین به‌طور کلی تا چه اندازه به درس‌های علوم اجتماعی اهمیت می‌دهند و چرا؟

**مؤمنی:** من در هجده سالی که تدریس کرده‌ام تاکنون ندیدم و نشنیدم اولیا برای ضعف درس علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی فرزندشان بخواهند با دبیر و معلم او صحبت کنند. این همان نگاه حاشیه‌ای به این درس‌هاست.

**روحانی:** اولیا چنین دغدغه‌ای ندارند که بیایند سؤال یا پیگیری کنند که درس علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی فرزندشان چگونه است. گاهی ما خودمان جسارت می‌کنیم و اولیا را می‌خواهیم و توضیح می‌دهیم که چرا فرزند شما دچار مشکل است. اما از طرف اولیا خیر، چنین نگرانی وجود ندارد.

**کار دوست:** برای اولیا و دانش‌آموزان درس علوم اجتماعی از نظر اهمیت در دو یا سه رتبه آخر قرار دارد. اما برخورد دبیر در کلاس می‌تواند جایگاه این درس را بالا ببرد. من در مدرسه‌ای تدریس می‌کردم که اکثر قریب به اتفاق اولیا دکتر و مهندس بودند. در این مدرسه فقط رشته‌های ریاضی و علوم تجربی تدریس می‌شد. در چنین جوی و فضایی در ابتدای

سال در جلسه‌ای که با اولیا داشتیم به آن‌ها گفتم که درست است که این درس از نظر شما عمومی است، اما هیچ‌کس از درس‌های علوم اجتماعی بی‌نیاز نیست. فرزندان شما باید این مهارت‌ها را پیدا کنند و با هم به اتفاق نظری رسیدیم. خدا را شکر تا پایان سال همراهی اولیا و دانش‌آموزان را داشتیم و این تعامل بسیار خوبی بود.

### آیا درس‌های علوم اجتماعی را در این منطقه دبیرانی که رشته تحصیلی آن‌ها علوم اجتماعی است، تدریس می‌کنند یا از معلمان درس‌های دیگر هم برای تدریس این درس استفاده می‌شود؟

**کار دوست:** اینکه از معلمان درس‌های دیگر استفاده می‌شود، خیلی اتفاق افتاده است. چون از نظر مسئولان آموزشی ما، هر کس که کتاب جامعه‌شناسی را بخواند، می‌تواند برود سر کلاس پاراگراف به پاراگراف بخواند و توضیح بدهد.

**قصوری:** در این زمینه ما مواردی داشتیم که با وجود همکار علوم اجتماعی، معلم و دبیر رشته دیگر را برای تدریس به کلاس علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی فرستادند. دست‌بندی دوگانه‌ای در مدارس وجود دارد و گسترده است به‌نام علوم پایه و علوم انسانی. دانش‌آموزان را هم برای کلاس‌های تقویتی و پایه سفارش می‌کنند و در انتخاب رشته اولویت اول علوم پایه است. نگاه مدیران هم همین است. هر چند رشته تحصیلی خود مدیران و مشاوران علوم انسانی و اجتماعی است، اما بیشتر هدایت‌ها و مشاوره‌ها به بچه‌ها برای رشته‌های غیر علوم انسانی است.

### در برنامه جدید هدایت تحصیلی میل اولیا و دانش‌آموزان بیشتر به رشته‌های تجربی و ریاضی بوده است و آمار نیز دقیقاً این موضوع را نشان می‌دهد. چرا از علوم انسانی این‌قدر کم استقبال شده است؟

**روحانی:** به‌نظر من باید بازار کار را هم در نظر داشته باشیم. فرض کنیم وقتی می‌بینیم فرزند یا دانش‌آموز من که فرد زرنگی است، می‌تواند در رشته تجربی درس بخواند، خوب من هم چون دوست دارم فرزندم پزشکی یا مهندس بشود و نه یک فارغ‌التحصیل علوم اجتماعی یا انسانی، بیشتر به فکر ورود او به چنین رشته‌هایی که بازار کار دارند، خواهیم بود و فرزندم را تشویق می‌کنم که به رشته‌های تجربی یا ریاضی برود.



مژگان کار دوست

دوست دارند. ولی در حال حاضر کاملاً برعکس شده است. دوره تألیفات دکتر **رجب زاده** به نظر من دوره طلایی بود.

**قصورى:** به نظر من این کتاب نه برنامه ریزی درسی، نه ساختار و نه محتوای دانش قوی دارد. در بخش مشاوره و پرورشی کتابچه‌ای وجود دارد به نام «راهنمای خودمراقبتی

برای سفیران سلامت». به نظر من برای سال دوم متوسطه این کتاب جامعه‌شناسی تر از جامعه‌شناسی ماست. در آن تمام جنبه‌های تعامل اجتماعی آمده است. مطالعات اجتماعی متوسطه اول پایه نهم جامعه‌شناسی تر از جامعه‌شناسی ماست. برنامه هدایت تحصیلی و انتخاب رشته دانش آموز به سال نهم رفته است، در حالی که

دانش آموز در کلاس دهم، بعد از اینکه رشته علوم انسانی را انتخاب کرده است، تازه می‌خواهد ببیند جامعه‌شناسی چیست. **ذولفعلی زاده:** من برخلاف همکارانم کتاب جدید را خیلی بهتر می‌دانم، چون جامعه‌شناسی ایرانی - اسلامی را مطرح می‌کند. به نظر من خیلی خوب است. آن را یک تحول می‌دانم و دید مثبتی نسبت به آن دارم. البته خودم هم نقد دارم، اما شجاعت تغییر رویکرد را خوب می‌دانم.

**قصورى:** ما در درس جامعه‌شناسی ۱ سلسله مراتبی داشتیم که از کنش اجتماعی شروع می‌شد و به معرفی رشته‌هایی می‌رسید و بین آن‌ها جامعه‌شناسی را معرفی می‌کرد. این مسیر که بسیار مفید و خوب بود، امسال حذف شده است.

**کار دوست:** در برابر بومی‌سازی علوم، خصوصاً جامعه‌شناسی، هیچ موضع‌گیری وجود ندارد. اما اصولاً لازمه علامت مثبت یا منفی گذاشتن جلوی هر علم این است که مبانی و اصول آن را بشناسیم و مبنای قضاوت داشته باشیم تا بتوانیم بگوییم چه چیز درست و چه چیز غلط است. بحث این است که اگر می‌خواهیم قدرت نقد پیدا کنیم، شرط اول این است که آن نظریات را بشناسیم و مطالعه کنیم. بعد قادر خواهیم بود **پارسونز** یا **فوکو** را نقد کنیم. اول باید بفهمیم چه می‌گویند نمی‌توانیم آن‌ها را کنار بگذاریم چون متعلق به کشور من نیستند. باید ببینیم چه می‌گویند، بعد نقد کنیم و به جامعه‌شناسی بومی برسیم.

پیش، در یکی از مدارسی که خاص بود و استثنایی، خیلی از دانش‌آموزان به علوم انسانی علاقه‌مند شدند. عده‌ای حقوق و عده دیگری جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و رشته‌های مرتبط را انتخاب می‌کردند. اما چون در آن مدرسه گروه‌های آموزشی علوم انسانی جایی نداشت، اولیا اجازه ندادند آن‌ها در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی ادامه دهند.

**مؤمنی:** ما چقدر در جامعه و در مصدر امور و مدیریت جامعه از نخبه‌های جامعه‌شناسی استفاده می‌کنیم؟ آیا جامعه‌شناسان ما می‌توانند به راحتی حرف بزنند و مسائل جامعه را نقد کنند؟ آیا حقوق‌دان اجازه صحبت کردن و نقد روند حقوقی و قضایی از جامعه را دارد. در چنین شرایطی خانواده چطور اجازه بدهد فرزندش در رشته علوم انسانی درس بخواند. متأسفانه به خاطر تعصباتی که وجود دارد، اجازه فعالیت به نخبگان علوم انسانی، جامعه‌شناسی و حقوق داده نمی‌شود.

**قصورى:** همکاران حاضر بگویند که کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی نسبت به ۱۰ سال گذشته بهتر شده است یا بدتر. پاسخ مثبت نیست. ما ده دوازده سال است که نقد می‌کنیم. ۷۰ تا ۸۰ درصد و بیشتر معلمان علوم اجتماعی کشور کتاب‌ها را نقد می‌کنند، اما سال به سال کتاب‌ها بدتر شده‌اند. نقدپذیر بودن شرط اول نقد است. وقتی گوش شنوایی برای نقد وجود ندارد و من دبیر علوم اجتماعی قادر نیستم در حوزه و محدوده کاری خودم تأثیر بگذارم، سطح کلان‌تر که مشخص است. این کتاب‌ها هم از نظر دانش و هم از نظر محتوایی و ساختاری با سن و سال و شرایط دانش‌آموز متناسب نیست. ما این را بارها گفته و به صراحت اعلام کرده‌ایم که مفاهیم خوب‌اند، اما بیان مناسبی برای مخاطب ندارند. نویسندگان کتاب متن مناسبی برای مخاطب ارائه ندادند. جامعه‌شناسی ۲ نسبت به جامعه‌شناسی ۱ و علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی بیشتر مورد پسند دبیران است. حتماً جامعه‌شناسی ۲ مزیت‌هایی دارد که آن‌ها ندارند.

**کار دوست:** ما در پایه دوم دبیرستان که قرار است دهم بشود، یک جامعه‌شناسی داریم و یک اقتصاد. علوم اجتماعی و اقتصاد دو گروه با هم هستند. من تمام نظرات خودم را در این جمله خلاصه می‌کنم: در سال‌های گذشته که کتاب‌های قدیمی تدریس می‌شدند، وقتی از بچه‌ها می‌پرسیدم، می‌دیدم چه در شهر و چه در روستا همه دانش‌آموزان جامعه‌شناسی را

**مؤمنی:** به نظر من در درجه اول موضوع به قضاوت افکار عمومی برمی‌گردد. دختر من در ریاضی خیلی خوب است، اما به علوم انسانی علاقه دارد. من نمی‌خواهم او در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی ادامه تحصیل بدهد، چون خودم در سال اول تجربی بودم و در سال دوم به علوم اجتماعی آمدم و دیدم و فهمیدم چقدر قضاوت‌ها فرق می‌کند. در مواجهه با دبیران و ورود به بازار کار و دانشگاه این قضاوت‌ها وجود دارد. شما می‌بینید در حالی که دانش‌آموز از درس علوم اجتماعی ضعف دارد، متأسفانه پدر و مادر دانش‌آموز به این ضعف اهمیت نمی‌دهند و در مدرسه به دنبال معلم ریاضی، شیمی و فیزیک می‌گردند. معلوم است جایگاه من به خاطر اینکه علوم انسانی و اجتماعی خوانده‌ام، پایین است.

**گرامتی:** به طور کلی باید بدانیم که اولیا، علاوه بر علوم اجتماعی، با دبیر تاریخ و ادبیات هم کاری ندارند. فقط دنبال دبیر ریاضی، زبان و... می‌گردند و آن‌ها را می‌شناسند. این مشکل علوم انسانی است. دبیر جامعه‌شناسی تاریخ درس می‌دهد، معلم ادبیات جامعه‌شناسی تدریس می‌کند، و دبیر غیرمرتبط همه این درس‌ها را تدریس می‌کند. این مشکل علوم انسانی است.

در مورد هدایت تحصیلی، من می‌گویم به جای اینکه به بازار کار توجه شود، به این نکته توجه شود که چرا بچه‌های ضعیف‌تر باید به رشته‌های علوم انسانی بیایند؟! من دانش‌آموزانی دارم که عاشق رشته حقوق هستند، اما من هم مثل خانم مؤمنی تردید و ترس دارم که او حقوق بخواند. مسائل و اشکالات محتوایی کتاب‌ها مشکل علوم انسانی است.

### بازار کار در حال بیشتر در اختیار دانش‌آموختگان کدام رشته‌هاست و چرا؟

**کار دوست:** ما در مباحث اجتماعی چیزی داریم به نام «پایگاه اجتماعی». چند شاخص این پایگاه را می‌سازند: یکی از آن‌ها می‌تواند درآمد باشد. در حال حاضر رشته علوم اجتماعی پایگاه در خور و شایسته‌ای در جامعه ندارد. البته پایگاه را فقط درآمد نمی‌سازد و منزلت اجتماعی حرفه هم مهم است. بسیاری از مشاغل هستند که چند برابر یک پزشک یا استاد دانشگاه درآمد دارند، اما هیچ وقت نمی‌توانند پایگاه اجتماعی آن‌ها را داشته باشند. علوم اجتماعی هم در جامعه ما پایگاه مناسبی ندارد. این ذهنیت باید تغییر کند. چند سال